بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه - مطهرات - 9/3/1400

( مطهرات - ادامه موارد مستحب بودن شستن ملاقی نجس - موارد استحباب پاشیدن آب )

مورد سوم : مصافحه با ناصبی است در صورتی که دست ناصبی یا مسلمان مرطوب نباشد مستحب است مسلمان دست خود را بشوید، دلیل روایت خالد قلانسی است ،که عن العباس بن عامر، عن علي بن معمر، عن خالد القلانسي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ألقى الذمي فيصافحني، قال امسحها بالتراب أو بالحائط، قلت: فالناصب؟ قال: اغسلها.

سوال : اغسل دلالت بر وجوب دارد به چه قرینه استحباب فهمیده می شود ؟

جواب : دو تا قرینه در روایت هست ، قرینه اول : امسحها بالتراب و بالحائط که مفروظ روایت صورتی است که اینها خشک است و نجاست با وجود خشک بودن سرایت نمی کند لذا امام فرمودند دست را به دیوار یا خاک بکشید اما اگر خشک نبود و رطوبت داشت وجهی نداشت امام بفرمایند دست را بر دیوار بکش بلکه وظیفه شستن بود و همین محتوا قرینه شد که چون مورد روایت صورتی است که دستها خشک است و امر به شستن در صورتی واحب است که اینها مرطوب باشد لذا اگر درصورت خشک بودن دستها امام امر به شستن می کردند قرینه می شود بر این که باید حمل بر استحباب کرد چون فقط در یک صورت واحب است دست شسته شود و آن اینکه مرطوب باشد

قرینه دوم : سند این روایت ضعیف است مرحوم اقای خویی میفرماید وجود علی ابن معمّر در طریق روایت باعث شده ضعیف شود روایت و ایشان اهل کوفه بوده ولی توثیق نشده است و جایی که روایت ضعیف باشد حکم آن روایت را از باب تسامح در ادله سنن عمل می کنیم و لازم تسامح استحباب است

‌‌‌‌موارد استحباب رش بالماء ( پاشیدن اب ) :

اول: بدن سگ به لباس یا دست سرایت کرد بدون اینکه مرطوب باشدو

روایت اربعة مائة است که بسیار معتبر است و اکثر ارکان فقه از آن است ، محمد بن علي بن الحسين في (الخصال) بإسناده عن علي عليه السلام (في حديث الأربعمأة) قال: تنزهوا عن قرب الكلاب، فمن أصاب الكلب وهو رطب فليغسله، و إن كان جافا فلينضح ثوبه بالماء . وسائل الشیعه ج ۲ ص ۱۰۱۶ ح ۱۱ باب ۱۲ که ابواب نجاسات

تقریب استدلال : ملاقی سگ و خوک بدون رطوبت موجب سرایت نمی شود و وقتی موجب سرایت نشد شستن واجب نیست و اما وجوب تر کردن لباس از نظر فقهی مخالف با ضرورت فقه است چون یقین داریم تر کردن لباس واحب نیست لذا امر به رشّ دلالت بر استحباب دارد

دوم : اگر با کافر ملاقاتی شد و دست او مرطوب نبود مستحب است لباسی که به او خورده را تر کرد صحیحه حلبی عن عبيد الله بن علي الحلبي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الصلاة في ثوب المجوسي، فقال: يرش بالماء. اینکه اسم مجوس برده شده خصوصیتی ندارد و شامل کفار هم می شود

سوم : عرق جنب از حلال ، ( نظر استاد : عرق جنب از حرام نجس نیست ) و فی خبر عن أبي بصير قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن القميص يعرق فيه الرجل وهو جنب حتى يبتل القميص، فقال: لا بأس، وإن أحب أن يرشه بالماء فليفعل. وسائل ج ۲ ص ۱۰۳۸

چهارم : آنجایی که شک دارد که آیا لباس او ملاقات به بول اسب و قاطر و حمار کرده یا نه و مستند آن حسنه محمد بن مسلم : وسألته عن أبوال الدواب والبغال والحمير، فقال: اغسله، فإن لم تعلم مكانه فاغسل الثوب كله، فإن شككت فانضحه.

پنجم : ملاقات لباس با موش زنده مرطوب اما اثر رطوبت روی لباس نیست

ششم : شک دارد لباس به بول یا خون یا منی ملاقات کرده یا نه ؟ حسنه عن عبد الله بن سنان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل أصاب ثوبه جنابة أو دم قال: إن كان قد علم أنه أصاب ثوبه جنابة أو دم قبل أن يصلي ثم صلى فيه ولم يغسله فعليه أن يعيد ما صلى، وإن كان لم يعلم به فليس عليه إعادة، وإن كان يرى أنه أصابه شئ فنظر فلم ير شيئا أجزأه أن ينضحه بالماء. وسایل ج ۲ ص ۱۰۵۹

هفتم : کسی که بیماری بواسیر دارد و آب زرد رنگی از مقعد او خارج می شود. در صحیحه بزنطی ، عن محمد بن علي بن محبوب، عن علي بن السندي، عن صفوان قال: سأل رجل أبا الحسن عليه السلام وأنا حاضر فقال: إن لي جرحا في مقعدتي فأتوضأ ثم أستنجي، ثم أجد بعد ذلك الندى والصفرة تخرج من المقعدة أفا عيدا لوضوء؟ قال: قد أيقنت؟ قال: نعم، قال: لا ولكن رشه بالماء ولا تعد الوضوء ، کلمه جرح یعنی زخم یک معنای عامی دارد و بواسیر را هم شامل می شود